



درس سی و نهم



واژگان درس

چشم :	العين	مرخصی :	الإجازة
باز کن :	إفتح	محل کار :	دائرة أو محل العمل
کاش :	ليت	تحميل نمی کند :	لا يطيق
دوری :	الهجرة و الإبتعاد		
تعارف :	المجاملة		
ببند :	أغمض		

ساختارهای گفتاری درس

دفتر خدمات مسافری :	مكتب السفريات
برای چه تاریخی می خواهید؟ :	لأی موعّد تريدون؟
سفر خوبی داشته باشید :	إن شاء الله بالسلامة
خوش بگذرد :	إن شاء الله رحلة ممتعة
کاش با ما می آمدید :	يا ليتكم ترافقوننا
محبت زیاد :	الحب الشديد
دیر می شود :	يسبب التأخير
این یک تعارف است :	هذه مجاملة.

در دفتر خدمات مسافری

محسن: چشمهایت را ببند ما به دفتر خدمات مسافری می رویم.

حسن: می خواهیم به اصفهان برویم یا به دفتر خدمات مسافرتی؟

محسن: چشمهایت را باز کن.

حسن: ما چطور اینجا آمدیم.

محسن: این مهم نیست، مهم این است که ما می خواهیم به مسافرت برویم و باید بلیط تهیه کنیم.

حسن: سلام

کارمند: سلام بفرمائید، در خدمتتان هستم.

حسن: ببخشید دو تا بلیط می خواهم.

کارمند: بلیط قطار یا اتوبوس یا هواپیمای کشتی؟

حسن: بلیط هواپیما می خواهم.

متصدی: بله چشم، برای چه تاریخی می خواهید؟ و به کجا؟

حسن: برای امروز به اصفهان و شیراز .



پدر: إن شاء الله سفر خوبی داشته باشید و به شما خوش بگذرد.

حسن: خیلی ممنون، کاش شما هم با ما می آمدید.

پدر: دوست داشتیم بیائیم اما من نمی توانم از بیمارستان مرخصی بگیرم. حسین آقا هم کلاس کنکور می رود. مادر هم بدون من به سفر نمی رود.

حسین: بله ما دوست داشتیم با شما بیائیم. اما من کلاس کنکور می روم.

مادر: من بدون علی آقا به سفر نمی روم. علی آقا هم نمی تواند از محل کار خود مرخصی بگیرد.

محسن: محل کار یعنی جایی که انسان در آنجا کار می کند.

حسن: چرا مادر بدون پدر به سفر نمی رود؟

محسن: چون مادر پدر را خیلی دوست دارد و نمی تواند دوری او را تحمل کند.

حسن: دوری یعنی چه؟

محسن: دوری یعنی «ترکه» و «هجرت».

حسن: این خیلی خوب است.

پدر: البته من هم بدون زهرا خانم به مسافرت نمی روم.

حسن: این یعنی محبت زیاد.

محسن: خوب خدا حافظ ما باید برویم چون دیر می شود.

۱. حسن و محسن به کجا رفتند؟

۲. حسن با چه کسی صحبت کرد؟

۳. بلیط چه وسیله ای را می خواست؟

۴. برای چه شهری و چه تاریخی؟

۵. چرا پدر همراه آنها نمی رود؟

۶. حسین به چه کلاسی می رود؟

۷. چرا مادر همراه آنها نمی رود؟

۸. چه کسی نمی تواند مرخصی بگیرد؟

۱. من در مرخصی هستم. (أنا في إجازة)
۲. نمی توانم شما را همراهی کنم. (لا أستطيع أن أرافقكم.)
۳. دیر کردیم. (تأخرنا)
۴. با چه وسیله ای سفر می کنید؟ (بأي وسيلة تسافرون؟)
۵. سفرتان چقدر طول می کشد؟ (كم تستغرق رحلتكم؟)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

ساک - چمدان - کیف پول - عینک - کلید - کلاه



۳



۲



۱



۶



۵



۴

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

- | | |
|--|--|
| • ۱. برای چند نفر بلیط می خواهید؟ | • ۶. رجاء قَدِّمُوا وثائق هویتکم. |
| • ۲. لطفاً اوراق شناسایی خود را بدهید. | • ۷. أتمنى لكم رحلة ممتعة. |
| • ۳. سفر خوبی را برای شما آرزو می کنم. | • ۸. لكم شخص تريدون التذكرة؟ |
| • ۴. برای رفتن به خانه تاکسی بگیرید. | • ۹. تعلَّمْتُ منكم تصرفات غريبة. |
| • ۵. من از شما کارهای عجیبی یاد گرفتم. | • ۱۰. إستقلُّوا سيارة اجرة للذهاب إلى البيت. |

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. کاش شما هم با ما می آمدند. _____
۲. محسن نمی تواند از محل کار خود مرخصی بگیرم. _____
۳. ما باید برویم چون دیر می شویم. _____
۴. مراقب خودتان باشیم. _____
۵. دوست داشتیم شما ما را همراهی می کردیم. _____
۶. آنها برای چند نفر بلیط می خواهید. _____
۷. من پاسپورت داریم. _____
۸. بیا سوار تاکسی شویم. _____

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

کشتی	•	•	مجاملة
نفر	•	•	يعمل
مرخصی	•	•	سفينة
سفر	•	•	صَبَّ / سكب
تعارف	•	•	شخص
کار می کند	•	•	اجازة
ریخت	•	•	رحلة

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

عجیب	_____	زود	_____
دور	_____	نزدیک	_____
دیر	_____	زشت	_____
خوب	_____	بد	_____
زیبا	_____	عادی	_____

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. مرخصی :
۲. تنها :
۳. کار می کند :
۴. تحمل می کنم :
۵. باید :

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. سفر - خوش - امیدوارم - بگذرد - در - این - شما - به. _____
۲. برای - به - تاکسی - می گیرم - رفتن - خانه. _____
۳. باشیم - ممکن - چطور - زودی - رسیده - است - به - این. _____
۴. دوری - نمی توانیم - را - کنیم - ما - شما - تحمل. _____
۵. یاد - سفر - در - چیز - می گیریم - های - زیادی. _____

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

- حسن: خدا حافظ ما _____ برویم چون _____ می شود.
 مادر: _____ ، مراقب خودتان _____ .
 حسن: چرا مادر روی _____ آب _____ ؟
 محسن: این یک _____ قدیمی است، مسافر را از _____ قرآن رد می کنند و پشت سر مسافر آب _____ برای _____ اینکه او _____ به خانه برگردد.
 حسن: رسم ، آیین قدیم، کهن _____ پس آب _____ پشت سر مسافر یک رسم قدیمی است.
 محسن: بله _____ .
 حسن: ما به _____ می رویم با _____ به اصفهان _____ کنیم.

«الصفات المركبة»

هناك في الفارسية صفات بسيطة بمعنى أنها ذات جزء واحد. مثل : كوشا (الساعي) - سخت (صعب) - آسان (سهل) - تنبل (كسول) و هناك صفات مركبة تتكون من جزئين . مثل : باهوش (ذكي) - باادب (مهذب) بافرهنگ (متقف) - باسواد (متعلم)
فإن «با» في هذه الصفات تعني واجد الشيء و صاحبه.
و مثل :بی سواد (أمي) - بی دلیل (بلا سبب) - بی خبر (جاهل) - بینوا (مسكين)
و إن «بی» في هذه الصفات تعني فاقد الشيء. و كذلت كلمة «مند» في آخر بعض الاسماء بمعنى واجد الشيء. مثل دانشمند (العالم) ثروتمند (الثري) - سعادتمند (السعيد) - آرزومند (المتمني)
أمثلة:

- ۱ - برادرم دانشجوی باهوشی است. (أخي طالب ذكي)
- ۲ - مردم شما بسیار بافرهنگ هستند. (شعبكم مثقفون جداً.)
- ۳ - آیا شما باسواد هستید. (هل أنتم متعلمون؟)
- ۴ - همسایه ما مرد بینوایی است. (جارنا رجل مسكين.)
- ۵ - از دیدارتان سعادتمند هستم. (أنا سعيد بلقائكم.)